

## بررسی مفهوم حصن ایمن در حدیث سلسله الذهب؛ چرا لا اله الا الله دژ خداوند است؟

### معنی حصن ایمن چیست و چگونه میتوان به این جایگاه وارد شد؟

حصن ایمن عبارتی است که شاید به گوش بسیاری از ما آشنا باشد، پناهگاه ایمنی که رسیدن به آن عامل نجات است. ما این مفهوم را در زندگی مادی و روزمره به خوبی میشناسیم و حتی از چنین اصطلاحی برای بعضی از افراد، خاطرات یا مکان‌های زندگی‌مان استفاده می‌کنیم. اما آیا قلب و حقیقت وجود ما در این دنیا بی‌پناه رها شده است؟

حدیث آشنایی وجود دارد که با نام سلسله الذهب معروف شده است و در این حدیث خداوند عبارت «لا اله الا الله» را دژ محکم یا همان حصن ایمن خود معرفی کرده‌اند. لا اله الا الله دژ من است، هرکس وارد دژ من شود از عذاب من ایمن است.<sup>۱</sup> در درس‌های گذشته درباره عبارت لا اله الا الله و ارتباط آن با انواع محبوب‌ها و معشوق‌ها صحبت کرده‌ایم و می‌دانیم این عبارت شاه‌کلید تنظیم نظام محبتی هر انسانی است. میزان انسانیت هر فرد به اندازه میزان ارتباطش با این گزاره فطری و پیاده‌سازی آن به صورت عملی در زندگی شخصی و اجتماعی است.

بر اساس کلام خداوند و معصومین (علیهم‌السلام) رسیدن به مقام لا اله الا الله دارای شروطی از جمله پذیرش ولایت است؛ چنانچه امام رضا (علیه‌السلام) در [حدیث سلسله‌الذهب](#) به این شرط اشاره فرموده‌اند.<sup>۲</sup> با توجه به وجود ارتباط تنگاتنگ بین شناخت خدا و اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، در این درس به دنبال این هستیم که بدانیم چگونه پذیرش ولایت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) ما را به شناخت خدا و مقام لا اله الا الله می‌رساند و منجر به قرار گرفتن ما در حصن ایمن خواهد شد؟ شناخت ویژگی‌ها و آثار ولایت معصومین (علیهم‌السلام) کلیدی است که می‌توانیم به کمک آن به پناهگاهی امن راه پیدا کرده و بدون آسیب مسیر مشخص شده پیش روی خود را طی کنیم و به مقصد و هدف خلقتمان برسیم.

<sup>۱</sup> لا إله إلا الله حُضِنِي، فَمَنْ دَخَلَ حُضْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛ شيخ صدوق، التوحيد، ج ۱، ص ۲۵  
<sup>۲</sup> وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا؛ شيخ صدوق، التوحيد، ج ۱، ص ۲۵

## دلایل لزوم رسیدن به مقام لا اله الا الله

در کتاب‌های فرهنگ لغت معانی مختلفی برای واژه حُصْن وجود دارد که به عنوان مثال می‌توان به مواردی مانند «دژ»، «جان‌پناه»، «حصار»، «پناهگاه» و «موضعی استوار که نمی‌توان به درون آن راه یافت» اشاره کرد؛ پس حُصْن ایمن به معنای پناهگاهی امن است.

برای کشف ارتباط بین این واژه و معشوق‌های انسان ابتدا باید بدانیم اصلاً رسیدن به مقام لا اله الا الله چه لزومی دارد. در درس‌های گذشته اشاره کرده‌ایم که حقیقت دین چیزی جز نفی هر معشوقی جز الله و تفسیر عبارت لا اله الا الله نیست. ما انسان‌ها موجودات بی‌نهایت‌طلبی هستیم که از اصل خود جدا و گرفتار حجاب و محدودیت‌های دنیا شده‌ایم. بر اساس برنامه‌ی تنظیمی خداوند همه‌ی ما انسان‌ها باید به اصل خود برگردیم و الله به تنها معشوق قلبی‌مان تبدیل شود.

همه‌ی ما به صورت فطری عاشق کمال هستیم و همه‌ی اشیاء و اشخاص را به خاطر کمالات آن‌ها می‌طلبیم. هیچ انسانی در این کره‌ی خاکی نمی‌تواند با فرهنگ و نگاه محدود زمینی کنار بیاید و حتی دلیل زیاده‌خواهی بزرگترین جهان‌خواران تاریخ هم نیاز به کسب بینهایت از تمامی کمالات بوده است. حقیقت مطلق، لذت و حیات بالاتر، رفع محدودیت از خود و جاودانگی موتور محرک تمام انسان‌های زمین است. تنها مساله اینجاست که اغلب ما در یافتن مصداق درست این بی‌نهایت به بی‌راهه می‌رویم و به جای معشوق بی‌نهایت و نامحدود اصلی به معشوق‌های فانی دنیایی دل خوش می‌کنیم.

ادعای اینکه لا اله الا الله گزاره‌ای فطری است مبالغه نیست؛ چون همه‌ی فعالیت‌ها، تلاش‌ها، انتخاب‌ها، ارتباط‌ها، رفتارها و افکار ما به صورت ناخودآگاه به سوی لا اله الا الله و به قصد برداشتن محدودیت‌ها از وجود خودمان است، ولی انتخاب اشتباه مسیر و الگو ما را به بیراهه می‌کشاند.

اگر ما به حقیقت دین یعنی لا اله الا الله برسیم و آن را باور کنیم در چهار مرحله‌ی انتخاب، ارتباط، رفتار و افکار کمتر دچار اشتباه خواهیم شد؛ ولی اگر این اصل را خوب درک نکنیم در بسیاری از موارد اهداف و برنامه‌هایی برای خود تنظیم می‌کنیم که با هدف خلقتمان سازگار نیستند. آنچه در انتخاب، ارتباط، رفتار و

چینش‌های فکری، مقدس یا غیرمقدس، اهمیت دارد این است که آیا ما به‌واسطه آن‌ها به آنچه هدف خلقتمان بوده می‌رسیم یا نه؟  
در واقع ما برای شناخت خود و نقش‌مان در دنیا و میزان رشد و نزدیکی‌مان به سعادت باید ببینیم چقدر توانسته‌ایم به‌صورت حقیقی با لا اله الا الله پیوند برقرار کرده و اله‌های دروغین وجودمان را نفی کنیم؛ چون به تعبیر قرآن فقط خداوند حق است و هر آنچه جز او پرستیده شود باطل است.<sup>۳</sup> میزان تحقق شعار لا اله الا الله در وجودمان میزان انسانیت ما را نشان می‌دهد.

### ارتباط مقام لا اله الا الله و حصن ایمن

در ابتدای درس به این نکته اشاره کردیم که مقام لا اله الا الله یک حصن ایمن است. برای اثبات و باور این حقیقت ابتدا باید شناخت کاملی نسبت به ابعاد مختلف مقام لا اله الا الله داشته باشیم.  
وقتی صحبت از حصن ایمن و پناهگاه می‌شود به یاد مکان و موقعیتی می‌افتیم که در آنجا از آسیب‌ها در امان خواهیم بود. با توجه به حصن ایمن بودن مقام لا اله الا الله و همچنین توجه به وجود چند بُعدی انسان این سؤال پیش می‌آید که آیا با رسیدن به این مقام، همه ابعاد وجودی انسان ایمنی پیدا خواهند کرد یا فقط بخش خاصی در پناه قرار می‌گیرد؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا کمی به ویژگی‌های مقام لا اله الا الله می‌پردازیم.

حقیقت لا اله الا الله به معنای نفی هر معشوقی جز الله است؛ البته باید به این نکته توجه کنیم که پذیرش حقیقت لا اله الا الله به معنی انکار وجود معشوق‌های ابعاد پایینی نیست. این کمالات و محبوب‌ها نقش ابزاری و کمکی دارند تا بخش انسانی به هدف نهایی‌اش برسد.

دَلِّكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ؛ سوره حج، آیه ۶۲<sup>۳</sup>

اگر ما حقیقت لا اله الا الله را در قلب خود وارد کرده و با تمام وجود آن را پذیرفته باشیم اله اصلی قلب ما الله خواهد بود و معشوق‌های دیگر نمی‌توانند ما را به خود مشغول کنند، همین امر ما را از آسیب‌های انتخاب کمالات محدود و پایینی نگه خواهد داشت.

برای مثال کمی به سالهای نوجوانی سفر کنیم. نوجوانی شروع بلوغ عاطفی و جنسی و زمان غلیان و فوران احساسات است. اگر شما هم در این سن و سال طعم عشق به جنس مخالف را چشیده باشید به خوبی رابطه زلال و عاشقانه‌ای را که هیچ محدودیت و مشکلی نمی‌توانست از آن کم کند بلکه حتی به شدت اشتیاق و میل دو طرف اضافه می‌کرد را به یاد خواهید آورد. در این زمان هر دو طرف فقط به دنبال یافتن مکانی برای خلوت با یکدیگر هستند و چنان غرق یکدیگر نیازهایی مثل خواب و خوراک را فراموش می‌کنند و گرسنگی و بی‌خوابی، که در حالت معمول ممکن است در دسرهایی داشته باشد، نمی‌تواند برای خلوت آن‌ها محدودیت ایجاد کند.

این عشق و نیازی که در قلب شعله‌ور میکند مثال خوبی برای درک حصن ایمن بودن لا اله الا الله به ما می‌دهد؛ چون در این مثال ما وجود نیازها و کمالات پایینی را انکار نکردیم، فقط گفتیم به دلیل حاکمیت عشق، این نیازها نمی‌توانند برای رابطه عاشقانه موجود محدودیتی ایجاد کرده و به آن آسیب برسانند. اقرار و شهادت به لا اله الا الله هم در عمل یعنی هیچ‌کدام از چهار بخش و معشوق‌های پایینی وجودمان در حاکمیت بر دلمان شریک نیستند و دل ما فقط یک معشوق و سلطان به نام الله دارد.

کسی که الله حاکم قلبش باشد به غیر از معشوقش به چیز دیگری فکر نمی‌کند، جز او را نمی‌طلبد، تمام ارتباطها، انتخابها، افکار و رفتارش در مسیر رسیدن به این معشوق است و طبیعت و کمالات پایینی ملاک ارزیابی او نخواهند بود؛ وقتی الله کانون اصلی توجه و تمرکز ما باشد دیگر سختی‌ها و مشکلات بخش‌های پایینی نمی‌توانند ما را زمین‌گیر کنند و این یعنی درک و رسیدن به حقیقت معنای لا اله الا الله یک حصن ایمن برای بخش انسانی وجود ما است. مقامی که در آن هیچ یک از معشوق‌های بخش‌های پایینی وجودمان نتوانند خدشه‌ای به عشق و ارتباط ما با الله وارد کنند.

## ارتباط پذیرش ولایت و رسیدن به مقام لا اله الا الله

برای رسیدن به هر جایگاه و مقامی ابتدا باید آن را بشناسیم، شروط رسیدن به آن مقام را بدانیم و بهترین و مطمئن‌ترین راه‌های رسیدن به آن را هم کشف کنیم. رسیدن به مقام لا اله الا الله دو شرط اصلی به نام‌های توحید (اخلاص) و ولایت دارد. ارتباط این دو شرط با هم این است که به کمک ولایت می‌توان به توحید رسید. توحید و ولایت چنان رابطه‌ای با هم دارند که شناخت امام عصر و زمانه ما مساوی با توحید و معرفت دانسته شده است<sup>۴</sup>؛ بنابراین برای شناخت خداوند و رسیدن به مقام لا اله الا الله باید از در ولایت و شناخت معصوم وارد شویم و این یعنی ما برای رسیدن به هدف خلقت خود نیاز به برقراری رابطه وجودی با ولایت داریم.

دلیل اینکه پذیرش ولایت و همراهی با اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌تواند ما را به مقام لا اله الا الله برساند این است که رابطه وجودی با این بزرگواران باعث می‌شود تقدیرات، چینش‌ها و سبک زندگی خود را بر اساس نظام محبتی الهی تنظیم کنیم.

کسی که سبک زندگی ولی‌الله را انتخاب کند به راحتی در دام طبیعت و دنیا نمی‌افتد، چون پذیرش نظام محبتی الهی و باور گزاره لا اله الا الله، اهمیت و ارزش همه معشوق‌های پایینی را در ذهن او کم‌رنگ می‌کند. بسیاری از سختی‌هایی که ما در دنیا با آن مواجه هستیم به دلیل اهمیت بیش از حدی است که برای بخش‌های جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلانی وجود خود و معشوق‌های این بخش‌ها قائل شده‌ایم و همین موضوع ما را اسیر کرده و باعث خروجمان از حصن ایمن خداوند شده است.

انتخاب سبک زندگی ولایی و تنظیم نظام محبتی بر اساس آنچه خداوند طراحی کرده باعث می‌شود از گزند آسیب‌های ابعاد طبیعی وجودمان در امان باشیم و هیچ آزاری در بخش‌های پایینی نتواند ما را آشفته کند؛ مانند فرد میلیاردری که گم شدن چندین اسکناس هزار تومانی به چشمش نمی‌آید؛ اما اگر سبک زندگی ما بر مبنای ولایت نباشد و نتوانیم چینش‌های فکری و نظام رفتاری خود را با سبک زندگی راهنمایان معصوم

<sup>۴</sup> فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالًا مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۹

تنظیم کنیم؛ مانند دانه‌ای خواهیم بود که ریشه‌اش در زمین فرو نرفته و قرار و ثباتی ندارد<sup>۵</sup> یا شبیه جنینی هستیم که به دلیل قرار نگرفتن در جایگاه مناسب درون رحم مادر یا سقط می‌شود یا تولدهای خطرناکی خواهد داشت.

### اهمیت و لزوم پذیرش ولایت در رسیدن به حصن ایمن

برای رسیدن به توحید باید با ظهور بی‌نهایت و عالی‌ترین نمونه از خداوند یعنی معصومین (علیهم‌السلام) ارتباط برقرار کنیم، چون این بزرگواران بالاترین رتبه را نسبت به همه مخلوقات عالم دارند و سایر موجودات جلوه‌های محدودی از خداوند هستند؛ هیچ‌گاه جلوه محدود نمی‌تواند ما را به اله نامحدود برساند. خداوندی که ما انسان‌ها را بی‌نهایت آفریده، کامل‌ترین جلوه‌های خود را هم به‌عنوان الگو به ما نشان داده تا بتوانیم به کمک آن‌ها بی‌نهایت‌طلبی خود را اشباع کنیم.

در هر رشته‌ای که برای فعالیت انتخاب می‌کنیم باید الگو و مربی متناسب با آن داشته باشیم. استاد هر رشته هم به تدریس فنون تخصصی رشته خود می‌پردازد. ما انسان‌ها فارغ از تمام رشته‌هایی که در ابعاد جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی انتخاب می‌کنیم و به دنبال کسب کمالات در آن رشته‌ها هستیم در نهایت باید مظهر خداوند شویم و به علم، قدرت، زیبایی و حیات مطلق برسیم؛ برای این منظور باید مربی خاصی داشته باشیم و نمی‌توانیم تحت تعلیم هر استادی قرار بگیریم. فقط افرادی می‌توانند مسئولیت راهنمایی و تعلیم ما را در این مسیر به عهده بگیرند، که خودشان در این زمینه به حد کمال رسیده باشند. اهل بیت (علیهم‌السلام) تنها نمونه کاملی هستند که می‌توانند ما را به اصل خود یعنی الله شبیه‌تر کرده و کمک کنند که در حصن ایمن خداوند قرار بگیریم و به هدف نهایی خلقتمان برسیم.

اجْتَنَّبْتُ مِنَ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ؛ سوره ابراهیم، آیه ۲۶<sup>۵</sup>

انتخاب هر اله و معشوقی جز الله ما را حقیر و ضعیف می‌کند. اهل بیت (علیهم‌السلام) به ما کمک می‌کنند بتوانیم سبک زندگی خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنیم که به سمت لا اله الا الله برویم و با انتخاب الله به‌عنوان معشوق اصلی وجودمان همیشه بزرگ و باارزش باشیم.

در حقیقت پذیرش ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) آگاهی یافتن از جایگاه حقیقی خودمان است. چنین معرفتی باعث می‌شود خود را به قیمتی کمتر از ارزش انسان کامل نفروشیم. کسی که قیمت حقیقی خود را می‌داند همواره شاد، آرام و امیدوار است، هرگز در برابر دنیا تحقیر نمی‌شود، برای امور دنیایی غصه نمی‌خورد، هیچ‌کدام از سختی‌های بخش‌های پایینی وجودش نمی‌تواند باعث بهم ریختگی و آسیب به بُعد حقیقی وجود او یعنی بخش انسانی‌اش شود؛ اما عدم شناخت مقام معصومین (علیهم‌السلام)، که در واقع مقام خود ما انسان‌ها است، باعث می‌شود کوچک و ضعیف بمانیم و فشارهای دنیا و مسائل زندگی بتواند ما را تحقیر و غمگین کند.

غم، اضطراب، ناامیدی، احساس ضعف، پوچی، باخت، بدبختی و تاریک شدن دنیا را کسی تجربه می‌کند که نتوانسته خداوند را در رأس معشوق‌های خود قرار دهد و به حصن ایمن الهی راه پیدا کند. تفاوت فردی که ولایت معصوم را پذیرفته و با آن رابطه وجودی برقرار کرده است و کسی که اصلاً این اصل را نپذیرفته این است که فرد اول حتی اگر گرفتار گناه و معصیت هم باشد درون کشتی مستقر است و در همان کشتی یا زمان رسیدن به ساحل بابت گناه و اشتباهاتش مجازات خواهد شد، ولی نکته مهم این است که چنین فردی در نهایت به ساحل نجات خواهد رسید؛ اما کسی که ولایت را قبول ندارد اصلاً سوار کشتی نیست که بتواند به وسیله آن به ساحل نجات برسد. چنین فردی هر قدر عبادت کند هم سودی نخواهد دید و نجات نمی‌یابد؛ پس ولایت حصن ایمن و کشتی نجاتی است که انسان را به ساحل امن الهی می‌رساند.